

اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر خودکارآمدی والدگری و مشکلات رفتاری کودکان در زنان سرپرست خانوار شهر یزد

سید مسعود دهقان منشادی*: کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
masouddehghan1370@yahoo.com

سیمین غلامرضایی: استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران
فیروزه غضنفری: استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

واژگان کلیدی

فرزند پروری

خودکارآمدی والدگری

مشکلات رفتاری

سرپرست خانوار

چکیده

مقدمه: بسیاری از والدین، شناخت کافی از خودکارآمدی والدگری ندارند و از مهارت کافی برای مدیریت صحیح مشکلات رفتاری کودکان برخوردار نیستند. در صورت آموزش صحیح مهارت فرزند پروری مثبت به والدین می‌توان چنین مشکلاتی را کاهش داد. به همین منظور، هدف پژوهش، تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر خودکارآمدی والدگری و مشکلات رفتاری کودکان زنان سرپرست خانوار شهر یزد بود.

روش: این پژوهش از نوع نیمه تجربی (پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل) بود. جامعه‌ی آماری شامل کلیه زنان سرپرست خانوار شهر یزد در سال ۱۳۹۴ بود که از بین آن‌ها سی نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل (پانزده نفر برای هر گروه) قرار گرفتند. مداخله آموزشی بر اساس بسته آموزشی مهارت فرزند پروری مثبت ساندرز به مدت هشت جلسه برای گروه آزمایش (هر جلسه ۴۵ دقیقه به مدت دو ماه) اعمال شد. از پرسشنامه‌های خودکارآمدی والدگری دومکا و همکاران (۱۹۹۶) و پرسشنامه مشکلات رفتاری راتر (۱۹۷۵) به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده شد. داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره در نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج: براساس یافته‌ها، مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر خودکارآمدی والدگری تأثیر دارد، اما بر مشکلات رفتاری کودکان تأثیری ندارد. ($P < 0/05$)

بحث و نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد که می‌توان آموزش فرزند پروری مثبت را به عنوان روش انتخابی افزایش خودکارآمدی والدگری زنان به کار برد، اما از این روش در کاهش مشکلات رفتاری کودکان به تنهایی نمی‌توان استفاده کرد.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۳۱

سید مسعود دهقان منشادی، سیمین غلامرضایی و فیروزه غضنفری. اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر خودکارآمدی والدگری و مشکلات رفتاری کودکان در زنان سرپرست خانوار شهر یزد. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۵؛ ۵ (۲): ۲۰-۲۷

نحوه استناد به مقاله:

The Effectiveness of Positive Parenting Skills Training on Parental Self-Efficacy and Children's Behavioral Problems in Female-Headed Households in City of Yazd

Seyed Masoud Dehghan Manshadi*: MSc in General psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran. masouddehghan1370@yahoo.com

Simin Gholamrezay: Assistant of professor, Department of psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran.

Firouzeh Ghaznanfari: Assistant of professor, Department of psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran

Abstract

Introduction: Many parents do not have sufficient knowledge of self parenting and children's behavioral problems do not have the skills to manage properly; If the correct teaching positive parenting skills to parents such problems can be reduced; therefore, The aim of this study was to determine the effectiveness of positive parenting skills training on parenting and behavioral problems in children of women heads of household efficacy city of Yazd.

Methody: This quasi-experimental study (pretest-posttest control group). The study population consisted of all female-headed households was the city of Yazd in 2015, among which 30 persons were selected using purposive sampling and randomly assigned to two experimental and control groups (n=15 per group) were replaced. Educational intervention based on positive parenting skills training package Sanders for eight sessions for groups (45 minutes per session for two months) was applied. Parental self-efficacy questionnaire (1996) and Rutter behavioral problems questionnaire (1975) was used as pre-test and post-test. Using multivariate analysis of covariance data were analyzed in SPSS version 19.

Results: According to the results, positive parenting skills and parental influences on self-efficacy, but have no effect on children's behavioral problems. ($P < 0.05$)

Conclusions: It seems that positive parenting can be taught the technique of choice to increase parental self-employed women; But this method can not be used in children with behavior problems alone.

Keywords

Parenting

Parental Self-Efficacy

Behavioral Problems

Head of Household

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 04 Jul 2016
Accepted: 21 Sep 2016

Please cite this article as follows:

Manshadi S, Gholamrezay S and Ghaznanfari F. The effectiveness of positive parenting skills training on parental self-efficacy and children's behavioral problems in female-headed households in city of Yazd. Quarterly journal of social work. 2016; 5 (2); 20-27

مقدمه

طبق تعریف سازمان بهزیستی کشور، زن سرپرست خانوار، زنی است که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار خویش است. زنان مطلقه، زنان افراد زندانی، همسران مردان بیکار، زنان بیوه، همسران مردان از کار افتاده و سالمند، زنان افراد معتاد و زنانی که شوهرانشان مهاجرت کرده‌اند، زن سرپرست خانوار شناخته می‌شوند. (۱) زنان سرپرست خانوار هم باید اداره امور اقتصادی و استرس‌های مربوط به شغل و تنظیم درآمد را تجربه کنند و هم استرس‌های نقش والدینی، تربیتی و حمایتی از فرزندان را بر عهده داشته باشند. (۲) در نتیجه به نظر می‌رسد که این زنان با مشکلاتی در خودکارآمدی والدگری مواجه باشند. خودکارآمدی والدگری یک ساختار بالقوه مهم شناختی، مربوط به کودکان و کارکرد خانواده است، که به طور گسترده به عنوان انتظارات مراقبت کنندگان در مورد توانایی‌هایشان که تا چه حد می‌توانند به عنوان والد، به گونه‌ای موفقیت‌آمیز عمل کنند، تعریف می‌شود. (۳)

زنان سرپرست خانوار، در معرض مشکلات دیگری نیز قرار دارند، نظیر مراقبت از کودک، یافتن سرپناهی مناسب و تأمین معیشت خانواده و دشواری‌های ناشی از اینکه آن‌ها تنها بزرگسال خانواده هستند و باید نقش پدر و مادر را یکجا به عهده بگیرند، لذا زنان از لحاظ مادی و روانی-عاطفی دچار مشکل گردیده و استرس بیشتری را تجربه می‌کنند (۴) و این مسائل به نوبه خود ممکن است منجر به بروز مشکلات رفتاری در کودکان آن‌ها گردد. مشکلات رفتاری به آن دسته از رفتارهای افراطی اطلاق می‌شود که با هنجارها تفاوت اندکی دارند و اغلب اختلال محسوب نمی‌شوند. اما در عین حال مزمن هستند و به سرعت برطرف نمی‌شوند. به علاوه این رفتارها به دلیل ناهماهنگی با انتظارات اجتماعی-فرهنگی، مورد قبول جامعه قرار نمی‌گیرند. (۵)

برنامه فرزند پروری مثبت، از جمله مداخلاتی است که در سال‌های اخیر توجه برخی از پژوهشگران را به خود جلب کرده است و به نظر می‌رسد که در بهبود مشکلات رفتاری کودکان و خودکارآمدی والدگری زنان سرپرست خانوار مؤثر باشد. هدف از این برنامه، پیشگیری از بروز اختلالات رفتاری، رشدی، عاطفی در کودکان از طریق بالا بردن سطح دانش، مهارت‌ها و اعتماد به نفس والدین است. (۶) برنامه فرزند پروری مثبت همانند سایر برنامه‌های آموزش والدین بر اساس اصول یادگیری اجتماعی بنا شده است و پایه‌های تجربی آن در مجامع علمی متعدد ذکر شده است. (۷) به طوری که، روشن‌بین و همکاران، تأثیر آموزش برنامه فرزند پروری مثبت را بر کاهش تنیدگی والدگری و افزایش خودکارآمدی والدین نشان دادند (۸) و هانا و همکاران، تأثیر آموزش مهارت والدگری، ارتباط و حمایت اجتماعی را بر افزایش اعتماد و خودکارآمدی والدگری نشان دادند (۹) همچنین، عاشوری و همکاران، اثربخشی برنامه آموزشی والدگری مثبت را بر ارتقای خودکارآمدی والدگری نشان دادند. (۱۰)

علاوه بر این، مطالعات انجام شده، آموزش مبنی بر مهارت‌های فرزند پروری را به عنوان مداخله‌ای مناسب برای مشکلات برونی‌سازی شده، (۱۱) اختلال در خودماندگی، (۱۲) نقص توجه و بیشفعالی (۱۳) و رفتارهای ضد اجتماعی و پر خاشگرانه (۱۴) مطرح کرده‌اند.

با توجه به افزایش روزافزون تعداد زنان سرپرست خانوار و مشکلات عمده آن‌ها در زمینه خودکارآمدی والدگری و به تبع آن بروز اختلالات رفتاری در کودکان، به نظر می‌رسد که بسیاری از این والدین از شناخت و مهارت کافی برای مدیریت صحیح چنین مشکلاتی برخوردار نیستند. در صورت آموزش صحیح مهارت فرزند پروری مثبت به والدین می‌توان چنین مشکلاتی را کاهش داد. به همین منظور پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر خودکارآمدی والدگری و مشکلات رفتاری کودکان زنان سرپرست خانوار شهر یزد انجام گرفت.

روش

این پژوهش از نوع نیمه تجربی (پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل) می‌باشد. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان سرپرست خانوار شهر یزد مراجعه کننده به بهزیستی شهر یزد و مرکز کمیته امداد امام علی (ع) در سال ۱۳۹۴ بود. نمونه‌ی آماری پژوهش، شامل سی زن سرپرست خانوار بود که از بهزیستی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و به طور تصادفی در گروه آزمایشی و کنترل (پانزده نفر برای هر گروه) قرار گرفتند. یک

عبارت بودند از: عدم حضور در جلسات آموزش، اخلاق در جریان آموزش و شرکت در سایر جلسات آموزشی و مداخله‌ای به‌طور همزمان.

ابزار پژوهش

پرسشنامه خودکارآمدی والدگری: این پرسشنامه توسط دومکا و همکاران در سال ۱۹۹۶ برای ارزیابی سطوح کلی خودکارآمدی والدگری ساخته شده است (۱۵) و شامل ده سؤال می‌باشد. نمرات بالا در این پرسشنامه خودکارآمدی بالا و نمره پایین خودکارآمدی پایین را نشان می‌دهد. این پرسشنامه شامل پنج عبارت مثبت و پنج عبارت منفی است که حس کلی والدین از اطمینان را در نقش والد می‌سنجد. سؤالات به طیف لیکرت هفت درجه‌ای (یک = به ندرت تا هفت = همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند. دومکا و همکاران (۱۹۹۶) همخوانی درونی این پرسشنامه را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش کردند. (۱۰) طالعی (۲۰۱۰) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۰ و روایی این پرسشنامه را مطلوب ارزیابی کرد. (۱۶)

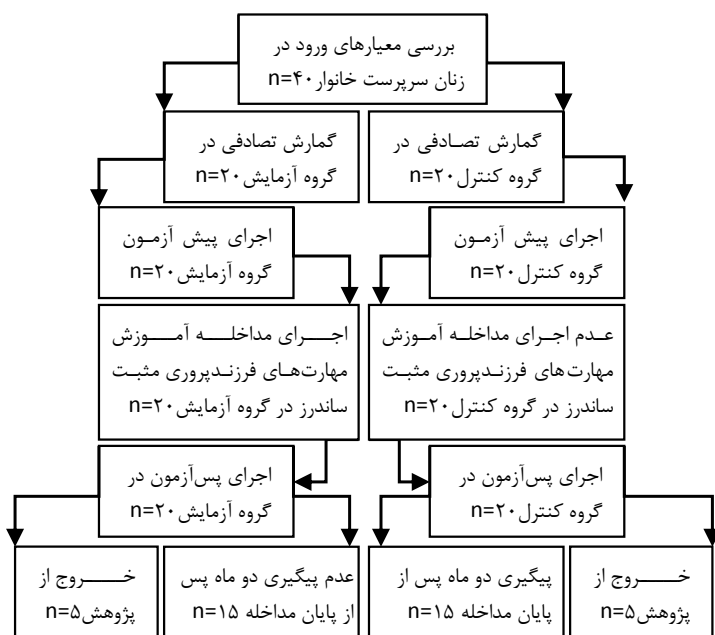
پرسشنامه مشکلات رفتاری: این پرسشنامه توسط راتر در سال ۱۹۷۵ به‌منظور ارزیابی مشکلات رفتاری کودکان ساخته شده است (۱۲) و شامل نسخه الف و ب است. نسخه الف دارای ۳۱ عبارت بوده و توسط والدین تکمیل می‌شود. والدین حدود بیست دقیقه با توجه به رفتارهای کودکان در دوازده ماه گذشته می‌توانند به پرسش‌ها پاسخ دهند. نمره سیزده در فرم ب نقطه برش محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که کودکانی که نمره سیزده یا بالاتر داشته باشند دارای مشکل شناخته می‌شوند. راتر (۱۹۶۷) با استفاده از روش دو نیمه کردن ضریب پایایی

گروه از این آزمودنی‌ها در معرض آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر اساس بسته آموزشی مهارت فرزند پروری مثبت ساندرز (۲۰۰۲) قرار گرفتند و یک گروه به‌عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد و هیچ‌گونه مداخله‌ای بر روی آن‌ها اجرا نشد. آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت به‌عنوان متغیر مستقل برای گروه آزمایش اعمال شد. خودکارآمدی والدگری و مشکلات رفتاری به‌صورت پیش‌آزمون اجرا شد و دو ماه پس از اعمال مداخله نیز پس‌آزمون با استفاده از همان پرسشنامه‌ها سنجیده شد.

بعد از انتخاب گروه‌های نهایی پژوهش، از آزمودنی‌های دو گروه خواسته شد که در یک جلسه توجیهی شرکت کنند. در این جلسه با تشریح اهداف پژوهش سعی شد که انگیزه و موافقت لازم مراجعان برای شرکت در پژوهش جلب شود. به‌منظور رعایت اصول اخلاقی، فرم موافقت برای همکاری در پژوهش توسط مراجعان تکمیل شد و پژوهشگران به مراجعان این اطمینان را دادند که کلیه مطالب ارائه شده در جلسات آموزشی و نتایج پرسشنامه محرمانه خواهد بود.

ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها در این پژوهش عبارت بودند از: رضایت آگاهانه، سرپرست خانوار بودن، دامنه سنی بین ۲۲ تا ۴۵ سال، توانایی حضور در تمام جلسات آموزش، دارای فرزند دو تا دوازده سال، وجود رگه‌هایی از اختلال شخصیت یا اختلال روانی بر اساس پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی و براساس تشخیص پژوهشگران (پژوهشگران روانشناس بودند) که در هنگام ورود به پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

ملاک‌های خروج از پژوهش



افراد تکمیل و سپس ضریب همبستگی آن‌ها محاسبه شد. ضریب همبستگی برای پرسشنامه خودکارآمدی والدگری ۰/۷۹ و مشکلات رفتاری ۰/۸۴ به دست آمد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه پس از مطالعه و بررسی سه تن از اساتید دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی خرم‌آباد و انجام اصلاحات لازم مورد تایید قرار گرفت. سطح معناداری برای پرسشنامه‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌های گردآوری شده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده گردید به علاوه، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر اساس بسته آموزشی ساندرز به مدت هشت جلسه ۴۵ دقیقه‌ای به مدت یک ماه به صورت گروهی طی جلسات مشروح در جدول شماره یک اجرا شد.

جدول (۱) عناوین کلی جلسات مداخله بر اساس راهنمای آموزشی مهارت‌های فرزندپروری ساندرز (۲۰۰۲)				
جلسه	عنوان	هدف برنامه	شرح جلسه	زمان
۱	فرزندپروری مثبت	توصیف فرزندپروری مثبت	آشنایی با اعضای گروه، بیان مقررات، توصیف اجمالی در مورد فرزندپروری مثبت و هدف استفاده از آن، بیان علت‌های مشکلات رفتاری کودکان، و همچنین تشویق مادران که به مشاهده و ردیابی یک یا دو رفتار مشکل‌دار کودک و اجرای پیش‌آزمون.	۴۵ دقیقه
۲	راهبردهای فرزندپروری مثبت	آموزش راهبردهای فرزندپروری مثبت	آموزش راهبردهایی برای ایجاد ارتباط مثبت با کودک، راهبردهایی برای افزایش رفتارهای مورد انتظار و راهبردهایی جهت یاددهی رفتارها و مهارت‌های جدید به کودک	۴۰ دقیقه
۳	راهبردهای مدیریت رفتار	آموزش راهبردهای مدیریت رفتار	آموزش راهبردهایی برای مدیریت رفتار دشوار و مشکل‌دار کودک به مادران	۳۵ دقیقه
۴	موقعیت‌های آسیب‌زا	شناسایی موقعیت‌های آسیب‌زا	آموزش درباره اصول بقای خانواده و شناسایی موقعیت‌های پرخطر خانه و بیرون از خانه به مادران	۴۰ دقیقه
۵	حمایت اجتماعی	آموزش نحوه دریافت حمایت اجتماعی	مرور موضوعات و تکالیف جلسات قبل، مادران تشویق شدند تا در صورت نیاز از خانواده، دوستان یا اعضای گروه درخواست کمک کنند.	۳۰ دقیقه
۶	حفظ و نگهداری تغییرات	آموزش فرایند حفظ تغییرات	آموزش درباره موانع حفظ تغییر و چگونگی حفظ تغییرات مثبت به مادران.	۴۵ دقیقه
۷	تشویق	آشنایی با مفهوم تشویق	در مورد تشویق، رابطه بین رفتار مطلوب و نوع تشویق، تأثیرات تشویق بر رفتار، انواع تشویق و اصول تشویق بحث شد.	۳۵ دقیقه
۸	تنبیه	آشنایی با مفهوم تنبیه	در مورد تنبیه، هدف از تنبیه، روش‌های تنبیه، تأثیرات منفی تنبیه و اصول تنبیه بحث شد، و در نهایت پس‌آزمون به عمل آمد.	۴۵ دقیقه

حدود ۰/۸۹ گزارش کرد. (۱۷) اعتبار و روایی این پرسشنامه توسط باقری (به نقل از ابولقاسمی و همکاران، ۲۰۰۵) با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۷ گزارش شد. (۱۸)

در پژوهش حاضر برای تعیین پایایی از روش بازآزمایی استفاده شد. به این منظور پرسشنامه‌ها مذکور توسط پانزده نفر از زنان سرپرست خانوار که دارای مشخصات یکسان با نمونه‌های پژوهش بودند، تکمیل و به فاصله هفت تا ده روز بعد مجدداً پرسشنامه توسط همان

جدول (۲) میانگین و انحراف معیار گروه آزمایش و کنترل به تفکیک سن				
سن	شاخص‌ها	گروه‌ها	جدول (۳) فراوانی و درصد گروه آزمایش و کنترل به تفکیک میزان تحصیلات	
دائمه سنی ۲۲ تا ۴۵	میانگین	گروه	میزان تحصیلات	شاخص‌ها
۳۷/۵۵	میانگین	گروه	کارشناسی	دپلم
۶/۴۴	انحراف معیار	آزمایش	۱	۵
۳۸/۵۰	میانگین	گروه	۱۲/۵	۳۱/۲۵
۵/۴۰	انحراف معیار	کنترل	۱	۶
			۱۲/۵	۳۷/۵
				۵۰

جدول (۵) نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره بر متغیر خودکارآمدی والدگری و مشکلات رفتاری					
متغیر	منبع	مجموع	درجه	میانگین	F
خودکارآمدی والدگری	تغییرات	مجزورات	آزادی	مجزورات	معنی‌داری
	پیش‌آزمون	۲۱/۰۰۰	۱	۲۱/۰۰۰	۰/۰۰۱
	خطا	۶۹۷/۰۰۰	۲۶	۲۶/۰۰۰	۰/۰۰۱
مشکلات رفتاری	پیش‌آزمون	۳/۰۰	۱	۳/۰۰	۰/۰۰۱
	گروه	۳۱۹/۰۰۰	۱	۳۱۹/۰۰۰	۰/۱۸۷
	خطا	۲۰۷۹/۰۰۰	۲۶	۷۹/۰۰۰	

در این پژوهش زنان سرپرست خانوار در دامنه سنی ۲۲ تا ۴۵ سال قرار داشتند. میانگین و انحراف معیار سن آن‌ها در گروه آزمایش ۳۷/۵۵ ± ۶/۴۴ و در گروه کنترل ۳۸/۵۰ ± ۵/۴۰ بود. میزان تحصیلات در گروه آزمایش شامل نه نفر (۵۶/۲۵٪) دیپلم، پنج نفر (۳۱/۲۵٪) کارشناسی و یک نفر (۱۲/۵٪) کارشناسی ارشد و گروه کنترل هشت نفر (۵۰٪) دیپلم، شش نفر (۳۷/۵٪) کارشناسی و یک نفر (۱۲/۵٪) کارشناسی ارشد بودند. مشخصات جمعیت‌شناسی این پژوهش، در جدول شماره دو و سه درج شده است. در جدول شماره چهار میانگین و انحراف معیار متغیرهای خودکارآمدی والدگری و مشکلات رفتاری در جدول شماره پنج درج شده است. همان‌گونه که در جدول شماره پنج ملاحظه می‌شود، آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر خودکارآمدی والدگری در سطح (P<۰/۰۵) معنادار است. اما آموزش مهارت‌های فرزندپروری مثبت بر مشکلات رفتاری کودکان در سطح (P<۰/۰۵) معنادار

نیست، بدین معنا که آموزش مهارت‌های رفتاری کودکان نشده است. فرزندپروری مثبت منجر به کاهش مشکلات

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر خودکارآمدی والدگری زنان سرپرست خانوار تأثیر دارد. این یافته با نتایج ابرشی و همکاران مبنی بر تأثیر آموزش برنامه ارتقای رشد روانی-اجتماعی کودک بر خودکارآمدی والدگری همسو است (۱۹) و با نتایج روشن‌بین و همکاران که تأثیر آموزش برنامه گروهی فرزند پروری مثبت را بر کاهش تنیدگی والدگری و افزایش خودکارآمدی والدین نشان می‌دهد، همخوانی دارد (۸) و با نتایج هانا و همکاران (۲۰۰۲) مبنی بر تأثیر آموزش مهارت والدگری، رشد ارتباط و حمایت اجتماعی بر افزایش اعتماد و خودکارآمدی والدگری همسو است. (۹) علاوه بر آن با مطالعه عاشوری و همکاران مبنی بر اثربخشی برنامه آموزشی والدگری مثبت بر خودکارآمدی والدگری نیز مطابقت دارد. (۱۰)

به‌منظور تبیین یافته‌های مطابق با یافته اخیر در تحقیق حاضر می‌توان بیان داشت که برنامه فرزند پروری مثبت، از جمله مداخلاتی است که به‌نظر می‌رسد در بهبود خودکارآمدی والدگری زنان سرپرست خانوار مؤثر باشد. هدف از این برنامه، پیشگیری از بروز اختلالات رفتاری، رشدی، عاطفی در کودکان از طریق بالا بردن سطح دانش، مهارت‌ها و اعتماد به نفس والدین است. (۶) در این راستا حمایت‌های اجتماعی که از طریق پس‌خوراند مثبت اعضای گروه در جلسات برنامه والدگری مثبت فراهم می‌آید، در خودکارآمدی والدگری تأثیر مطلوبی دارد. به عقیده بندورا روابط اجتماعی زیاد و نزدیک از طریق تأثیر غیرمستقیم الگوگیری (روش‌های والدگری رایج با مشاهده رفتار صحیح والدگری در دوستان و خویشاوندان کارآمد) بر خودکارآمدی والدگری مادران تأثیر می‌گذارد. (۲۰) همچنین از طریق آموزش مادران در راستای ارتقا تحول کودک، می‌توان دستیابی به حس شایستگی اجتماعی و خویشتن‌داری را در والدین هموار ساخت که این به نوبه خود منجر به افزایش خودکارآمدی والدگری می‌شود. (۲۱)

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر مشکلات رفتاری کودکان تأثیر ندارد. این یافته با بسیاری از مطالعات صورت گرفته در این زمینه مطابقت ندارد، به‌طوری‌که مطالعات اخیر بر روی آموزش مهارت‌های فرزند پروری، نتایج رضایت‌بخش و دلایل منطقی برای استفاده از این روش درمانی را در کار بالینی و آموزشی به‌خصوص در کار با مشکلات رفتاری کودکان فراهم کرده است. به‌طوری‌که مطالعات انجام شده، آموزش مبنی بر مهارت‌های فرزند پروری را به‌عنوان مداخله‌ای مناسب برای مشکلات برونی‌سازی شده، (۲۰) اختلال در خودماندگی، (۱۲) نقص توجه و بیش‌فعالی (۱۳) و رفتارهای ضد اجتماعی و پرخاشگرانه (۱۴) مطرح کرده‌اند.

در تبیین تضاد حاضر اشاره به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که والدین کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری در تربیت فرزندان خود از قوانین بی‌ثبات، مهارت‌های ضعیف حل مسئله و مسئولیت‌پذیری ضعیف برخوردار بوده و از تنبیه شدید و ناهماهنگ استفاده می‌کنند، چنانچه در تحقیق حاضر نشان داده شد، آموزش مهارت‌های فرزند پروری بر مشکلات والدین تأثیر داشته است، اما آنچه مسلم است مشکلات رفتاری کودکان اختلالات شایع و ناتوان‌کننده‌ای هستند که برای معلمان، خانواده و خود کودکان مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کنند و با میزان بالایی از معضلات اجتماعی همراهی همراه‌اند. (۲۲) کودکان دچار اختلالات رفتاری از دامنه توجه کوتاه و عزت نفس پایین برخوردارند و در ارتباط با اعضای خانواده، مردم و اطرافیان دارای مشکلات متعدد بوده و به آسانی ناکام می‌شوند. (۲۳) بنابراین باید خاطر نشان ساخت که مشکلات رفتاری به‌عنوان مجموعه‌ای ناهمگون، تحت تأثیر متغیرهای متعددی قرار دارد و بی‌شک عوامل ارثی، روان‌شناختی و اجتماعی زیادی در بروز و تشدید آن نقش دارند و تنها با انجام مداخلاتی از قبیل آموزش مهارت‌های فرزند پروری بر والدینی که خود دچار مشکلاتی در تربیت و فرزندان دارای مشکلات رفتاری هستند، کافی نیست. لذا به‌نظر می‌رسد که زمان آن رسیده است که در ادبیات پژوهشی مربوط به مداخلات مبنی بر آموزش مهارت‌های فرزند پروری تجدیدنظر اساسی گردد و به دنبال مداخلاتی به غیر از آموزش مهارت‌های فرزند پروری، با هدف قرار دادن نشانه‌های مشکل در کودکان دارای اختلالات رفتاری بود، چرا که در نظر گرفتن این گونه

مثبت را به عنوان روش انتخابی افزایش خودکارآمدی والدگری زنان به کار برد، اما از این روش در کاهش مشکلات رفتاری کودکان به تنهایی نمی توان استفاده کرد.

مداخلات به عنوان درمان انتخابی یا مکمل مشکلات رفتاری سهل انگارانه خواهد بود. مطالعه حاضر نشان داد که مهارت‌های فرزند پروری مثبت بر خودکارآمدی والدگری تأثیر دارد، اما بر مشکلات رفتاری کودکان تأثیری ندارد. به نظر می‌رسد که می‌توان آموزش فرزند پروری

محدودیت‌ها

یکی از مهم‌ترین کاستی‌های این تحقیق، به‌کارگیری صرف آموزش مهارت‌های فرزند پروری مثبت و نادیده گرفتن سایر متغیرهای مؤثر بر خودکارآمدی والدگری و مشکلات رفتاری کودکان می‌باشد. همچنین این تحقیق آثار کوتاه مدت این مداخلات را نشان می‌دهد و آثار بلند مدت آن (پیگیری) را شامل نشده است. علاوه بر آن در این تحقیق آموزش تنها به مادران داده شد و نمی‌توان آن را به معنای آموزش والدین (پدر و مادر) در نظر گرفت.

پیشنهادهای

پیشنهاد می‌شود اثربخشی این گونه مداخلات در ترکیب و یا مقایسه با سایر درمان‌ها از جمله دارودرمانی و درمان شناختی-رفتاری و سایر مداخلات تایید شده مورد بررسی قرار گیرد.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد مصوب دانشگاه لرستان است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از کلیه پرسنل بهزیستی استان یزد و مرکز کمیته امداد امام علی (ع) و تمامی افرادی که در انجام این پژوهش ما را یاری کردند تقدیر و تشکر به عمل آورند.

منابع

References:

1. Bakhtiari A. Government and women heads of household. Women book. Journal of Women's Cultural and Social Council 2006; 9, 34. [Persian]
2. Shahriari E, Saadatmand Z, Fatehizadeh M. Review the training needs of women heads of household who work education. Journal of Women and Society 2013; 4, 2. [Persian]
3. Shirazi Jafari, F. The effect of life skills training to enhance the efficacy of Tehran in 2010-2011 female-headed households. Women Letters, Institute for Humanities and Cultural Studies 2012; 3(2):47-70. [Persian]
4. Kimiae SA. Practices empower women heads of household. Journal of Social Welfare 2011; 11, 40. [Persian]
5. Arnold DH, Brown SA, Meagher S, Baker CN, Dobbs J, Doctoroff GL. Preschool-based programs for externalizing problems. Education and Treatment of Children 2006; 29, 311-339.
6. Sanders MR. Triple p-positive parenting program: Professional Training the University of Queensland 2003.
7. Sanders MR, Turner KMT. The role of media and primary care in the dissemination of evidencebased parent tervention: Our experience with the Triple p program. Journal of Child and Adolescent Mental Health 2002; 10(4), 158-169.
8. Roushanbin M, Pouretmad HR, Khoushabi K. The effect of group positive parenting program training on parenting stress in mothers of ADHD children aged 4-10 years old. Fam Res Quart 2007; 3(10): 545-72. [Persian]
9. Hanna B, Edgecombe G, Jackson CA, Newman S. The importance of first-time parent groups for new parents. Nurs Health Sci 2002; 4(4): 209-14.
10. Ashouri M, Afrooz GA, Arjmandnia AA, Pourmohamadreza-Tajrishi M, Ghobari-Bonab B. The effectiveness of positive parenting program(Triple-p) on parental self-efficacy and mother-child interaction in children intellectual disability. J Shahid Sadoughi Univ Med Sci 2015; 23 (5): 489-500. [Persian]
11. Sanders MR, Woolly ML. The Relationship between maternal self-efficacy and parenting practices: implications for parent training. Journal of Child: Care, Health & Development 2005; 31(1): 65-73.

12. Sofronoff, K, Farbotko M. The effectiveness of parent management training to increase self-efficacy in parents of children with Asperger syndrome, *Journal of Autism* 2002; 6(3): 271-286.
13. Sanders MR, Prinze RJ. The Triple p system, A multi-level evidence-based, population approach to the prevention and treatment of behavioral and emotional problems in children. *Journal the Register Report* 2005; 31, 42-46.
14. Oliver P, Wright Guerin D, Coffman J. Big five parental personality traits parenting behaviors, and adolescent behavior problems: A mediation model. *Personality and Individual Differences* 2009; 47, 631-636.
15. Dumka LE, Steorzinger H, Jackson K, Roosa MW. Examination of the cross cultural and cross language equivalence of parenting self-agency measure. *Family Relations* 1996; 45, 216-222.
16. Tale A. Effectiveness of Parenting Behavioral problems and self-efficacy on positive parenting mothers. master thesis. Shahid Beheshti University, Tehran 2010. [Persian]
17. Rutter M. A children's behaviour questionnaire for completion by teachers: preliminary findings. *Journal of Child Psychology Psychiatry* 1967; 8:1-11.
18. Abolqasemi A, Narimani M, Kyamrsy A. Prevalence and comorbidity of behavioral disorders among elementary school students and its relationship with academic achievement. *Science and Technology* 2005; 4 (3,4). [Persian]
19. Abarashi Z, Tahmasian K, Mazaheri MA, Panaghi L. The impact of psychosocial child development training program, done through improvement of mother-child interaction, on parental self-efficacy and relationship between mother and child under three. *J Res in Psychol Health* 2009; 3(3): 49-57. [Persian]
20. Bandura A. Self-efficacy mechanisms in human agency. *American Psychologist* 1982; 37(2): 122-47.
21. Salari R, Ralph A, Sanders MR. An efficacy trial: Positive parenting program for parents of teenagers. *Behav Chan* 2014; 31(1): 34-52.
22. Khoddam H. Medanloo M. Ziaie T, Keshtkar AA. Behavioral disorders and some related factors in school-age children in Gorgan. *Nursing Research* 2008; 4(14) :29-37. [Persian]
23. Beyrami M. Influence Education parenting skills to mothers of school children with externalizing disorders on mental health and their parenting styles. *Journal of Mental Health* 2008; 11(42):105-114. [Persian]